

ابن خلدون :

پیشرو نظریه تضاد در جامعه شناسی

مقدمه :

تاریخ نویسی با توسییدید (۶۴۰ - ۳۹۵ ق . م) در یونان باستان شروع می شود . البته پیش از او هرودت (۴۸۰ - ۴۲۵ ق . م) در تفکیک جهان بینی تاریخ از افسانه های موجود کمک شایسته ای کرد اما هدفش آن بود که «داستانهای جذاب را از خطر فراموشی برهاند» در حالی که اثر توسییدید مرحله ای از تحول فکری انسان بشمار می رود . برای اولین بار انسان بطور آگاهانه در جستجوی فهم اعمال خود بر می آید ولی با این وصف حتی توسییدید در میان تعریف تاریخ و وقایع آن تفکیکی قائل نشده است (۱).

در تعریف تاریخ متأسفانه ما همیشه واقعیات تاریخی را بجای علم تاریخ می گذاریم در حالیکه این دو متفاوتند . یکی مجموعه حوادثی است که در گذشته اتفاق افتاده و اطلاع بر آنها معلومات تاریخی را تشکیل می دهد و دیگری علمی است بنام تاریخ که غیر از گذشته های تاریخی است . چنانکه ما طبیعت را داریم و زیست شناسی را ، زمین را و زمین شناسی و ... را که دو مقوله جدا گانه است ، یکی حوادث طبیعت و پدیده های طبیعت و واقعیاتی بنام طبیعت و دیگری شناخت این حوادث و پدیده هاست . اما نداشتن اصطلاح خاص برای این دو مفهوم متفاوت در ذهن موجب شده است که علم تاریخ را با رویدادهای تاریخی یکی بگیریم علم تاریخ مثل هر علمی ، علل و روابطی را که میان حوادث اجتماعی انسانها در طول گذشته تا حال وجود داشته و دارد بیان می کند . وقایع تاریخی یا موضوع علم تاریخ وقایعی است که در زمان گذشته صورت گرفته است ، مثل امراض که موضوع علم طب است و یا جامعه که موضوع جامعه شناسی است . بر اساس این نکات

موضوع علم تاریخ زندگی اجتماعی و جنبه‌های مادی و معنوی تمدن‌هاست. «علم تاریخی چگونگی اعمال مردم را تبیین می‌کند و خصوصیات مردم بیابان نشین و شهر نشین و صنایع و شغل‌ها و علوم را نشان می‌دهد. هم‌چنین علت اختلافات میان گروه‌های انسانی را روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه يك اجتماع و يابك تمدن بوجود می‌آید، کامل می‌شود و سرانجام از میان می‌رود» (۲).

هدف نگارنده در این مقاله (که مقدمه‌ای است بر پژوهشی در مورد ابن خلدون) این است که عظمت ابن خلدون را در زمینه علوم اجتماعی بخصوص نظریه تضاد در جامعه شناسی نشان دهیم. اعتقاد ما این است که ابن خلدون مورخ عرب قرن هشتم هجری * بیشتر از هر کس دیگری استحقاق دارد که «پدر جامعه شناسی» خوانده شود. هر چند تمایل بر این بوده است که جامعه‌شناسی را به غرب مخصوصاً اندیشمندان اروپائی نسبت دهند و بعمد خواسته‌اند که آسیا و آفریقا را نادیده گیرند.

بدین جهت تاریخ را بعنوان علم از ابن خلدون به بعد می‌شناسیم. نظر ابن خلدون بیشتر متوجه چگونگی «ساختمان گروه‌هاست تا شخصیت قهرمانان تاریخ» و بی‌آنکه اهمیت نیروهای معنوی و روحانی را نادیده بگیرد بر عوامل مادی که سازنده نیروهای فعال سیاسی اند انگشت می‌گذارد. تاریخ غم‌انگیز یا پرشکوه و سرگذشت سلاطین و شرح فتوحات آنها را نادیده گرفته به رویدادهای مهم و عمیقی که از حیات اقتصادی و سازمان اجتماعی سرچشمه می‌گیرند توجه دارد (۳). همچنان که از کتاب «مقدمه» بر می‌آید ایراد کلی ابن خلدون به قدمای مورخین غرب و شاید کلیه مورخان (از هرودت تا سده چهاردهم میلادی) این است که ایشان از رابطه‌ای که بین رویدادهای سیاسی و نظامی از يك سو و تحول اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر وجود دارد آگاهی ندارند (۴). ابن خلدون برخلاف تاریخ-نگاران به انتخاب رویدادها و گردآوری حقایق اکتفا نکرد. بلکه به تفهیم وضعیت اجتماعی کوشید. چنانکه می‌گوید: «باید دانست که حقیقت تاریخ خبر دادن از اجتماع انسانی، یعنی اجتماع جهان و کیفیاتی است که بر طبیعت این اجتماع

* عبد الرحمن ابن خلدون، تولد: تونس ۷۳۲ هـ. وفات: قاهره ۸۰۸ هجری برابر با ۱۳۳۲-۱۴۰۶ میلادی.

عارض می‌شود، چون توحش، همزیستی، عصیت‌ها و انواع جهان‌نگشایی‌های بشر و چیرگی گروهی بر گروه دیگر، و آنچه از این عصیت‌ها و چیرگیها ایجاد می‌شود» (۵).
دقت ابن‌خلدون در فاصله گرفتن از مورخان سنتی تا آنجاست که حتی برای نامگذاری کتاب تاریخی‌اش از عناوین متداول می‌پرهیزد و آنرا «کتاب‌العبر» می‌نامد چنانکه ابولاکرست در کتاب جهان‌بینی ابن‌خلدون می‌گوید: «کلمه «جبر» از «عبر» مشتق می‌شود و به معنای عبور از نقطه‌ای به نقطه دیگر و گذشتن از مانع است غالباً فلاسفه و عرفا اصطلاح مذکور را در معنای نفوذ عمیق به فکر یا حالت کسی و جذب واقعیت ژرف حادثه‌داری و یا وصول به حقیقت عرفانی بکار برده‌اند. در بعضی موارد «عبر» به معنای اعراض از ظواهر و میل به فهم جوهر و ذات امور استعمال شده است» (۶).

یکی از نظریه‌های * عمده در جامعه‌شناسی معاصر، نظریه تضاد است. برخلاف طرفداران مکتب فونکسیونالیسم یا کاربرد اجتماعی که توافق و تعادل اجتماعی را مهمترین واقعتهای اجتماعی به حساب می‌آورند، مکتب اختلافی یا نظریه تضاد، تضاد و یا تضاد را جزء ذاتی نظام اجتماعی دانسته و آنرا مهمترین و اساسی‌ترین واقعیت جامعه در نظر می‌گیرد.

تجزیه و تحلیل جامعه و پدیده‌های اجتماعی از دیدگاه مکتب تضاد البته سابقه بسیار طولانی دارد و تنها مختص متفکران غربی سده نوزدهم میلادی نیست هر چند اگوست کنت (Auguste Conte) فیلسوف فرانسوی در سال ۱۸۴۲ استقلال جامعه‌شناسی را اعلام کرد ولی گروهی را عقیده بر این است که پدر جامعه‌شناسی یا نخستین جامعه‌شناس واقعی ابن‌خلدون اندیشمند عرب قرن چهاردهم میلادی است * * *

* در اینجا لازم می‌دانم از آقایان دکتر منوچهر دره‌شوری، دکتر ابوالقاسم سری و دکتر عبدالعبود انصاری که در ویراستن مقاله مدبرسان بوده‌اند صمیمانه سپاسگزاری کنم.
* * * ۱- مقاله تحقیقی استاد اندیشمند دکتر امیرحسین آریانپور، «ابن‌خلدون پیش‌آهنگ جامعه‌شناسی» مجله بهار ۱۳۴۹.

2- IBN KHALDUN: 'The Father of Sociology' The International Journal of Comparative Sociology, Vol. 9, no. 4, oct. 1976 by James Conyor

3- IBN KHALDUN: Historian Sociologist and Philosopher,

به اعتقاد ما ابن خلدون پیشرو راستین نظریه تضاد است زیرا او قرن‌ها پیش از آنکه پایگاه علمی جامعه‌شناسی و بخصوص مکتب تضاد شناخته شود با نظریات ابداعی خویش کوشش دایمانه‌ای در جهت تشریح پدیده‌های اجتماعی از دیدگاه مکتب تضاد به عمل آورده است. البته از قرن چهارم قبل از میلاد به بعد، افکار و عقایدی که می‌تواند در قالب نظریه تضاد قرار بگیرد، ظهور کرده است. مثلاً کاتیلیا در هند قدیم، هراکلیتوس در یونان باستان و پولی‌یوس در امپراطوری روم. هر یک از مفاهیم تضاد، قدرت تکامل اجتماعی و عدم ثبات برای تبیین جامعه و انسان استفاده کردند. در اینجا لازم است که اثر ابن خلدون را مورد بررسی قرار دهیم تا بهتر بتوانیم به مفهوم تضاد از دیدگاه او پی ببریم.

بررسی «مقدمه»

اثر عمده ابن خلدون کتابی است در هفت مجلد تحت عنوان تاریخ جهانی. جلد اول آن «مقدمه» است که در آن ابن خلدون ضمن پیشگفتاری به طرح نظریات جامعه‌شناسانه می‌پردازد. این نظریات که بر اساس شواهد تاریخی و اطلاعات جمع‌آوری شده استوار است، بازتابی از واقعیت‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که در جهت کشف علم جدیدی از تاریخ مورد استفاده قرار گرفته است. بطوری که اکثر مفسران معتقدند ابن خلدون نخستین متفکری است که با مفاهیم ابداعی در صدد تجزیه و تحلیل علمی جامعه برمی‌آید. «مقدمه» که در حقیقت جامعه‌شناسی ابن خلدون است دارای شش بخش عمده به شرح ذیل است:

بخش اول: شامل انسان، جامعه، اشکال جامعه، تضادهای اجتماعی.

بخش دوم: شامل اجتماع چادر نشین (بدوی)، اجتماع حضری (شهری)، تکامل اجتماعی، دور و تسلسل ساختهای اجتماعی.

بخش سوم: شامل مفاهیم دولت، خاندان یا سلسله، قدرت، انواع قدرت، مقامهای سیاسی.

بخش چهارم: شامل اجتماعات شهری و خصوصیات آن، تمدن شهری، تمدن بدوی، علل انحطاط تمدن شهری.

بخش پنجم: شامل صنعت و حرفه، سبک زندگی، فعالیت‌های اقتصادی.

بخش ششم: شامل طبقه بندی علوم، روش تاریخی، قوانین جامعه‌شناسی،

روشهای یادگیری و آموزش .

مفاهیم اساسی در جامعه شناسی ابن خلدون

الف - انسان و جامعه

انسان هیچگاه بعنوان يك فرد مطرح نمی شود ، بلکه اصالتاً موجودی اجتماعی و سیاسی است . به بیان دیگر انسان محصول شرایط اجتماعی بوده و از دم زادن به زندگی مشترك می گراید .

انسان با سایر موجودات متفاوت است زیرا قادر به تفکر و همکاری است . در حقیقت بقای انسان و دوام جامعه بر اساس همکاری است و جامعه در اثر آن و زندگی مشترك انسانها پدید می آید . ولی در عین حال نیروهای اجتماعی عامل تعیین کننده زندگی انسانهاست . به بیان دیگر جامعه مافوق انسان و از هستی خاصی برخوردار است . جامعه پدیده ایست پویا که در معرض دگرگونی و تحول قرار دارد . جوامع و تمدن ها ایستا نبوده و دائماً در حال ظهور و سقوط هستند .

ب - عصبیت

یکی از مفاهیم عمده ابن خلدون واژه عصبیت است که تعبیر و تفسیر زیادی از آن شده است . عصبیت از عصب و عصبه و تعصب مشتق شده و به معنای پیوند و پیوستگی است . ابن خلدون با این مفهوم شاهکار خود را بیان می کند . می گوید انسان هایی که در يك واحد اجتماعی زندگی می کنند بوسیله نیروی کششی بهم پیوسته اند ، و هر نظام اجتماعی که از این کشش و پیوند بی بهره باشد از بین خواهد رفت . در نظر ابن خلدون هر قدر انسان از لحاظ تکامل روانی و انسانی بر فکری پیشرفته تر باشد تعصب نیز در او نیرومندتر و روشن تر است . عصبیت عامل تحرك زندگی انسانهاست . عصبیت احساسی است که فرد در پیوند با گروه (عصبه) دارد و حقیقت ، هدف یا اصل مشترك است . عصبیت همان است که امروز در اصطلاح جامعه شناسی همبستگی می گویند * .

بسیاری از مفسران عصبیت ابن خلدون را به « وطن پرستی » ، « شعور ملی »

«حس ملی»، «روح عام»، «همبستگی اجتماعی»، «حس گروهی» و امثال آن تعبیر و تفسیر کرده‌اند. مثلاً توین بی مورخ انگلیسی آنرا به اینگونه تعریف کرده است: «بافت روحانی که سازندهٔ کلیهٔ اعضای سیاسی و اجتماعی است» و نیز «جنبش‌دگی درست»، «قوه حیاتی یک قوم» و «قوه محرکه تأسیس دولت» را عصیت می‌نامند.^(۸) به قولی دیگر عصیت نزد ابن خلدون دارای همان معنایی است که ما کس و براز «Charisma» یا «فره ایزدی» و ماکیاول از «Virtù» یا «Virtue» یا تقوا در نظر دارند. به عبارت روش‌تر مراد هر سه آنها عبارت است از خصیصه ذاتی که برای کسب قدرت سیاسی و رزمندگی در بعضی از افراد وجود دارد. ایضاً می‌توان آنرا رابطه‌ای دانست که میان آرمان قدرت طلبی و مهارت سیاسی رهبران موجود است. چنانکه ابن خلدون می‌گوید: «وقتی رهبران سیاسی این خصیصه را توأم داشته باشند می‌توانند نظرات خود را به انبوه مردم تحمیل کنند و آنان را به دنبال خود بکشانند».^(۹)

عده‌ای دیگر معتقدند که عصیت ابن خلدون همان است که هگل آنرا دیاالکتیک یا روش جدلی می‌نامد. هگل برای شناسائی جامع از روش دیاالکتیک استفاده کرد که در سه گام، تز، آنتی‌تز و سن‌تز پیش می‌رود. تز بمعنی نهادن چیزی آنتی‌تز همانا نهادن چیز دیگری است که نفی نهادن اول است. نتیجهٔ این نفی اثبات چیز برتری است که در سن‌تز، دوباره بهم برنهاد می‌شود.^(۱۰) هگل این روش را در استخراج همهٔ معقولات و درسیر همه موجودات عمومیت داده است.

در حال این عده معتقدند که مفهوم «عصیت» که در بطن نظریات ابن خلدون قرار دارد چه از لحاظ طبیعت و ذات و چه از جنبهٔ تحول یک پدیده کاملاً جدی است. عصیت مثل هر پدیده از اتحاد دو عامل متضاد بوجود می‌آید.^(۱۱)

مثلاً برابری قبیله‌ای از یک طرف و قدرت رئیس قبیله از طرف دیگر در هم ادغام و از وحدت آنها عصیت نتیجه شده است.

ج - انگاره‌های اجتماعی*

ابن خلدون از میان انگاره‌های اجتماعی که بعدها مورد شناخت جامعه‌شناسان قرار گرفت به دو نوع عمده توجه دارد: همکاری و ستیزه یا تضاد. از نظر او همکاری

و تضاد دونوع اساسی کنش متقابل پیوسته و گسسته می باشد. همکاری موجب سازمان اجتماعی شده و بدین ترتیب نیازهای فردی و اجتماعی افراد بر آورده میشود در حالیکه تضاد موجب دگرگونی ساختهای اجتماعی و ظهور و سقوط تمدنها می شود. ابن خلدون اساس تمدن را فعالیت های اقتصادی می داند. چنانکه می گوید: «باید دانست که تفاوت عادات و رسوم و شئون زندگانی ملتها در نتیجه اختلافی است که در شیوه معاش (اقتصاد) خود پیش میگیرند.....»^(۱۲).

لسودویک گومپلویچ جامعه شناس شهیر لهستانی در سال ۱۸۹۹ درباره ابن خلدون نوشت: «این مورخ عظیم اصول و نظریه های عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را پنج قرن قبل از بنیان گذاران آن کشف کرده است و همچنان که نظریه های ابن خلدون در باره اجتماع متشکل او را در نخستین صف فلاسفه تاریخ قرار می دهد، افکار و عقاید او در باره نقش کار و مالکیت و مزد نیز او را پیشوا و پیشقدم دانشمندان اقتصاد این عصر جلوه گرمی سازد»^(۱۳). ابن خلدون توانست در سده چهاردهم میلادی درک کند که کارمنشاء ارزش است چنانکه می گوید: «پس بدان آنچه به انسان فایده می رساند، چیزی جز کار نیست»^(۱۴). ابن خلدون معتقد بود که:

۱- کار مفید اساس حیات اجتماعی است.

۲- کار اساس و پایه ارزش است.

۳- بوجود آوردن کالاهای زاید از مصرف یکی از پایه های پیشرفت اجتماعی است^(۱۵).

د - انواع آرمانی ساختهای اجتماعی *

ابن خلدون نخستین جامعه شناسی است که برای جامعه های بشری انواع آرمانی در نظر گرفت. پس از ابن خلدون جامعه شناسان دیگری از قبیل هنری مین (H. S. Maine) کارل مارکس (K. Marx)، اگوست کنت (A. Conte) امیل دورکیم (E. Durkheim)، ماکس وبر (M. Weber) فردیناند تونیز (F. Tonnies) چارلز کولی (C. H. Cooley)، هوارد بکر (H. Becker) و دیگران هر یک انواع آرمانی از پدیده های اجتماعی عرضه کردند. ابن خلدون معتقد بود که ساختهای

اجتماعی دارای دو بعد است ، یکی زندگی قبیله‌ای (چادرنشینی) و دیگری زندگی حضری (شهری) میان زندگی چادرنشینی و شهری دائماً تضاد و ستیزه برقرار است . او شهر و بیابان را دو نقطه مقابل هم می‌داند که پیوسته با یکدیگر در جداوند . شهر محکوم به زوال است و در حالیکه بیابان راه پیشرفت و شهر شدن دارد . همچنان ابن خلدون دولت‌ها را به سه نوع طبقه‌بندی کرد :

۱ - دولت طبیعی - حکومتی است که بر حسب طبیعت مردمی که دور و برهم جمع شده‌اند وزیرلوی کسی که از همه بهتر است گرد می‌آیند . ماکس وبر جامعه شناس آلمانی از این دولت بنام دولت سنتی یاد کرد (Traditional Authority) .
۲ - دولت مذهبی - که حکومت بر اساس یک قدرت شخصی مبتنی است . و بر از حکومت قدرت برتر (Charismatic Authority) یافره ایزدی صحبت کرده است .

۳ - دولت عقلی - طبق نظر ابن خلدون این بهترین نوع حکومت است زیرا افراد دور هم جمع می‌شوند و کسیکه مورد اعتمادشان می‌باشد به رهبری برمی‌گزینند (۱۶) .

ماکس وبر از حکومت قانونی یا عقلانی یاد کرد (Rational Authority)

۵ - تحولات اجتماعی *
ابن خلدون ازدگرگونی جامعه‌های بدوی و شهری بصورت دوری صحبت

می‌کند .

به عبارت دیگر در نظام فکری ابن خلدون همانند ویکو (Vico) چهار قرن بعد از او جوامع سیردوری ** را می‌پیمایند . جامعه‌ها بوجود می‌آیند؛ روبه کمال می‌روند و سقوط می‌کند (۱۷) . دورگرایی ابن خلدون نظامی سخت و یک بعدی و تعصب آمیز نیست و امکان این که انحرافهائی در سیردوری آنها پدید آید هست (۱۸) . البته ابن خلدون در مورد نتایج این تسلسل اجتماعی که موجب پیشرفت می‌شود ، دیدی محتاطانه دارد .

* Social change

** Cyclical process

و مذهب

با اینکه ابن خلدون يك مسلمان واقعی و دلباخته بود ولی به مذهب از دیدگاه اجتماعی نگاه می کرد. به نظر او مذهب يك پدیده اجتماعی است و موجب انسجام و یگانگی افراد جامعه میشود. مذهب حتی موجب تمدنهای جدید میشود. مذهب جزئی از محیط اجتماعی و در حقیقت شکلی از موجودیت سیاسی است. بعقیده او پیروزی اسلام ناشی از وحدت اجتماعی مسلمانان بود. نهضت‌های مذهبی وسیله دگرگونی اجتماعی می‌شوند. ابن خلدون معتقد بود که افراد چادر نشین ایمان بیشتری به مذهب دارند زیرا ساده و وارسته‌اند در حالیکه شهر - نشینان بعزت و تعلقات مادی ایمان مذهبی خود را از دست می‌دهند. ابن خلدون به طور صریح در یکی از بخش‌های مهم «مقدمه»، این نظریه را که مشیت الهی سبب اصلی تعیین سرنوشت اجتماعی انسان است، رد می‌کند (۱۹).

نتیجه

معمولاً در خاتمه هر نوشته، از جنبه فنی نوشتن هم که شده، نتیجه‌گیری از موضوع می‌شود. اما شاید موقعیت ما ایجاب کند که برخلاف غرب عمل کنیم. همچنان که در ابتدا متذکر شدیم این مقوله فهرستی است از تفحص و کنکاشی که ما شروع کرده‌ایم و هنوز در مرحله ابتدائی هستیم و احتیاج به تفحص خیلی ژرفتری داریم که بتوانیم نتیجه‌گیری کلی کنیم. در اینجا مناسب است که از خود پرسیم که ابن خلدون چه ارمغانی به پژوهشگران میانه دوم سده بیستم ارائه می‌دهد؟ به نظر می‌آید برای تحلیل جامعه‌های اسلامی نظریه‌های ابن خلدون بخصوص در مورد عوامل عمیق عقب ماندگی مفید باشد.

مأخذ

- ۱- جهان‌بینی ابن خلدون نوشته ایولا کوست ترجمه مهدی مظفری، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۴، ص ۱۶۲
- ۲- تاریخ مختصر فلسفه نوشته ص. موحد، انتشارات طهوری سال ۱۳۴۴، ص ۱۰۸
- ۳- ایولا کوست، پیشین، ص ۱۷۲

- ۴- ایولاکوست، پیشین، ص ۱۷۲
- ۵- مقدمه ابن خلدون جلد اول ترجمه محمد گنابادی ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب سال ۱۳۵۲، ص ۶۴
- ۶- ایولاکوست، پیشین، ص ۱۰۸
- ۷- نگاهی به فلسفه کهن دقترهای اول، دوم و سوم نوشته محمد برنا مقدم (م.پرمون) جهان کتاب سال ۲۵۳۶
- ۸- ابن خلدون ، پیشین، ص ۳۰
- ۹- ابن خلدون ، پیشین، ص ۲۹۹
- ۱۰- ص، موحد، پیشین، ص ۱۷۵
- ۱۱- ایولاکوست، پیشین، ص ۱۸۹
- ۱۲- ابن خلدون، پیشین، ص ۲۲۵
- ۱۳- IBN KHALDUN = Historian Sociologist and philo
pher Ibid. P.29
- ۱۴- ابن خلدون، پیشین، ص ۲۲۶
- ۱۵- IBN KHALDUN; پیشین، ص ۳۰
- ۱۶- ابن خلدون: پیشین، ص ۳۵۸ - ۳۳۳
- ۱۷- «ابن خلدون پیش آهنگ جامعه شناسی»، دکتر امیرحسین آریانپور، مجله سهند بهار ۱۳۴۹، ص ۶۰
- ۱۸- آریانپور، پیشین، ص ۶۰
- ۱۹- ابن خلدون، پیشین، ص ۳۰۸ - ۳۰۱